

اتهام تجاوز

بر زنان زندانی بررسی می‌شود



صفحه ۶

با این فرا فگنی‌ها کار مملکت بجایی نمی‌رسد



برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

بی تدبیری‌ها، انحصارگرایی‌ها، یکجا با برنامه‌های غیر ملی و در پوشش فرا فگنی‌ها و اقدامات پوپولیستی بیش از این نمی‌توانند نسخه دوام وضعیت موجود بحرانی کشور باشد. ادامه این سیاست بازی‌ها بجز از ناکامی کشور، بدبختی مردم، بحران مشروعیت نظام و بی‌آبروگی ملی قطعاً نتیجه دیگری ندارد. بازی با کارت جهاد با کمترین منفعت برای توده‌های مجاهدین، استیضاح وزرایی که اکثراً نه صلاحیتی دارند و نه منزلتی، بازی با کارت حقیقت‌یابی به گونه غیر...

ادامه صفحه ۶

اشرف غنی:

یک قطره آب افغانستان یک قطره تیل همسایه‌ها می‌شود



قطره تیل کشور های همسایه خواهد بود. رییس جمهور غنی گفت که افغانستان باید به یک کشور صادرکننده مبدل گردد و به همین جهت باید از چشمه تا کشتزار از...

ادامه صفحه ۶

رییس جمهور غنی گفت: همبستگی ملی و روستایی به برنامه همبستگی شهری تبدیل می‌شود. اشرف غنی اظهارداشت: افغانستان دارای منابع آبی فراوانی است که نبود برنامه مناسب، این کشور را از بهره‌برداری از این منابع ناکام گذاشته است. وی بیان کرد: صلح و ثبات افغانستان بدون ثبات در روستاهای این کشور امکان پذیر نیست. اشرف غنی گفت: هر فردی که در مقابل حکومت سلاح بر میدارد، آنان را از قریه های تان بیرون کنید، زیرا آنان مردم و اطفال را می‌کشند، مساجد را شهید می‌سازند و مکاتب را می‌سوزانند، آنان در حقیقت گمراه اند.

محمد اشرف غنی با اشاره به ارزش آب گفت که تا ده سال آینده ارزش هر قطره آب افغانستان برابر به یک

رییس جمهور غنی با اشاره به افزایش نامنی‌ها در کشور گفت که افغانستان یک ملت واحد و غیرقابل تجزیه است اما تلاش همه ما برای ایجاد صلح در کشور بسیار ضروری است.

رییس جمهور افغانستان دیروز در پنجمین نشست ملی مشورتی شوراهای توسعه روستایی در ارگ ریاست جمهوری افغانستان با اشاره به اینکه تمام وزارتخانه‌ها برنامه همبستگی ملی را در دستور کار خود قرار می‌دهند، افزود: هدف ما ارائه خدمات همسان در تمام روستاها به مدت ۴ سال است که ۱۰ ولایت محروم در اولویت قرار خواهند گرفت.

وی ادامه داد که این برنامه مفید و موثر بوده و موجب تحول سریع و همه جانبه می‌شود اما امکانات ما برای عملی کردن همه جانبه آن محدود است.

معترضان بیکار دروازه وزارت کار و امور اجتماعی را بستند

« ما بیکاریم از دولت بیمار بیکاریم »



اول آنان اشتغال‌زایی است که اولویت نخست دولت وحدت ملی اعلام شده بود و دولت مسوولیت دارد، زمینه اشتغال برای شهروندان افغانستان را فراهم سازد. اعضای جنبش علیه بیکاری که از کارگزاران این راه‌پیمایی بودند، می‌گویند: تا زمانی که رهبران حکومت وحدت ملی به...

ادامه صفحه ۶

هارون مجیدی

شماری از جوانان بیکار دیروز (یکشنبه ۱۰ آبان) با راه‌پیمایی در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی، دروازه این وزارت را بستند و گفتند، وزارتی که کار نکند، دروازه‌اش باید بسته شود.

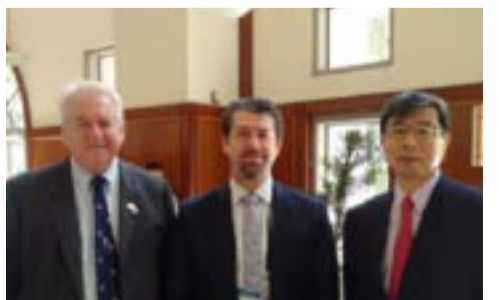
این معترضان با سردادن شعارهای «ما بیکاریم از دولت بیمار بیکاریم، عین و غین حیا کن ملت را رها کن»، خواستار ایجاد زمینه‌های شغلی برای شهروندان افغانستان شدند.

آنان می‌گویند که دروازه وزارت کار و امور اجتماعی را بسته و تا زمانی که به خواست‌هایشان رسیده‌گی نشود؛ به هیچ یک از کارمندان این وزارت اجازه ورود به این وزارتخانه را نخواهند داد و شبانه روز در پشت درهای وزارت خواهند ماند.

اعضای جنبش علیه بیکاری می‌گویند که خواست

کمک ۸۵۸ میلیون دالری بانک

توسعه آسیایی به افغانستان



وزارت مالیه افغانستان اعلام کرده که بانک توسعه آسیایی وعده کمک ۸۵۸ میلیون دالری را به این کشور داده است.

بر اساس خبرنامه این وزارت قرار است این پول از سال ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۰ برای احداث زیرساخت‌ها به افغانستان داده شود.

در این خبرنامه گفته شده که در دیدار رسمی مصطفی مستور، معاون مالی وزارت...
ادامه صفحه ۶

در برگ ها



حکومت
سهامی
آقای غنی

جبرگرایی
تراژنیتیک



عجز
در
اندیشه
بیدل

یک کرواسیایی
سرمربی
تیم فوتبال
افغانستان شد



احمد عمران

حکومت سهامی

آقای غنی



سخن ماندگار

دو سال لاف و پتاق

یک سال از ایجاد دولت وحدت ملی می‌گذرد و هنوز هم مردم افغانستان در وعده‌های مقامات این دولت به‌خصوص رییس‌جمهور اشرف غنی حیران‌اند. در دوران طولانی انتخابات، چه وعده‌هایی که از او نشنیدیم. آقای غنی به هر ولایت استراتژی یک افغانستان که سفر می‌کرد، می‌گفت که این ولایت را به یکی از مراکز اقتصادی و ترانزیتی کشور و منطقه تبدیل می‌کند. اما حالا هم ادامه همین حرکت‌ها و وعده‌هاست. چنان‌که او دیروز در پنجمین نشست ملی مشورتی شوراهای انکشافی روستاها، به روستائینان کشور وعده سپرد که تا چهار سال آینده، خدمات یک‌سان و مناسبی برای زندگی در روستاها فراهم می‌سازد و به‌زودی برنامه همبستگی ملی را به برنامه «میثاق شهروندی» تبدیل می‌کند.

او از ملی شدن این برنامه به معنای واقعی به هدف بهبود زنده‌گی در روستاها، ارتباط بین روستائینان و شهرنشینان و فراهم ساختن بازار برای تولیدات روستائیان سخن گفت و نیز گفت که می‌کوشد تا چهار سال آینده، افغانستان با استفاده مناسب از آب و زمین، در زراعت خودکفا شود. آقای غنی از مبارزه با فقر سخن گفت و از داشتن بودجه لازم به این وعده‌ها هم یاد کرد و دستور داد که از طریق شوراهای حاضر در روستاها برنامه‌هایش را در این مناطق عملی سازند. او از ایجاد صلح و ثبات در روستاها در همین مدت یاد کرد و نیز از شوراهای روستاها خواست که با نیروهای امنیتی کشور همکاری کنند.

سخنان آقای غنی آن‌گونه که دیروز مطرح کرده است، در یک جامعه آماده و عاری از جنگ و مشکلات امنیتی شاید قابل تطبیق باشد، اما دادن این‌گونه وعده‌های شیرین در افغانستان متلاطم، چیزی بیشتر از لاف و گزاف نیست. واقعیت این است که ادبیات رییس‌جمهور غنی هنوز هم ادبیات انتخاباتی است و او می‌خواهد که ناتوانی‌های دولت‌ش را با این گزافه‌گویی‌ها جبران کند. از قدیم گفته‌اند حرف زدن آسان است و عمل کردن سخت. درستی این گزاره را بدون شک در وعده‌های دوران انتخابات و عملکرد دولت‌مردان حکومت وحدت ملی به‌خصوص آقای غنی دیدیم. آقای غنی باید این را درک کند که بسیاری از سخنان و وعده‌های دیروزش برای مردم به فکاهه تبدیل شده است. مردم فراموش نکرده‌اند که دوران طولانی انتخابات به شعار مفت سر دادن سپری شد و یک سال دولت وحدت ملی نیز با توجیحات و وعده‌سرایی‌های دوباره به‌سرآمد.

آقای غنی در یک سال و اندی که گذشت، نتوانست بندی از توافق‌نامه ضمانت کرده بین‌المللی را عملی کند و نتوانست که یک اعتبار ملی و سیاسی را به وجود بیاورد. همه شیرازه‌های سیاسی و ملی در دوران یک ساله او از هم پاشید و اعتماد سیاسی و مدنی مردم به پروسه دموکراتیک از بین رفت و هیچ گامی هم برای اعاده آن برداشته نشد. آقای غنی باید بداند که در دوران او، قدرت به بدوی‌ترین شکل ممکن انحصاری شد و مسایل قومی و قبیله‌یی جای مسایل ملی و مدرن را گرفت. او ثابت کرد که برای کشور رهبر خوبی نیست و سخنانش هر روز مسأله می‌آفریند. یک سال ریاست او صرف هیچ شده و هیچ گام مفیدی در راستای امنیت، انکشاف و عملی شدن برنامه‌هایی که وعده داده بود، برداشته نشده است. بنابراین مردم دیگر نمی‌خواهند از او وعده بگیرند و عمل نینند.

دولت آقای غنی اگر ده سال هم عمر کند، بدین روش حتماً نمی‌تواند یک وعده داده شده‌اش را به مردم عملی کند. مردم از این وضع و از این دولت‌داری خسته شده‌اند، آقای غنی را یک رییس‌جمهور ناکام می‌دانند و شدیداً به دنبال راه چاره می‌گردند!

اشرف غنی در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش همواره تأکید می‌کرد که از ایجاد «شرکت سهامی» در حکومت اجتناب می‌ورزد. او حتا تأکید می‌ورزید که حاضر به ساختن حکومت ایتلافی با داکتر عبدالله نیست؛ زیرا چنین حکومتی را نمونه همان حکومت مشارکتی می‌دانست. اما وقتی انتخابات به بن‌بست خورد و پای جامعه جهانی وارد قضیه شد، آقای غنی نگفت که دولت ایجاد شده چه فرقی با شرکت سهامی دارد.

دولت فعلی اگر شرکت سهامی نیست، پس چه نامی می‌توان بر آن گذاشت؟ همین حالا اختلاف‌های عمیق میان دو بخش دولت وجود دارد و هر یک به نوبه خود تلاش دارند که سهم و حضور خود را در قدرت به رخ بکشند. ریاست جمهوری سهم خود را در قدرت به گونه مستقل نمایش می‌دهد و ریاست اجرایی به سهم خود. جالب این‌جاست که میان وزیرانی که دو نهاد قدرت در کشور معرفی کرده‌اند، به دلیل این‌که برخی موارد باید از ریاست جمهوری اجرا شود، تفاوت از زمین تا آسمان است.

وزیران آقای غنی با دست باز و صلاحیت تمام می‌توانند اعمال قدرت کنند، در حالی که وزیران معرفی شده از سوی ریاست اجرایی مثل یتیم‌های بی‌سرپرست در میان اداره‌های ریاست جمهوری برای پیشبرد کارهایی که پیش نمی‌روند، سرگردان‌اند. این موضوع سبب شده که عملاً اداره‌های کشور به بلا تکلیفی و افت کاری روبه‌رو شوند. هرچند در گذشته نیز از چندان توان کاری برخوردار نبودند، ولی حالا افت کاری در وزارتخانه‌های افغانستان بیداد می‌کند. اگر اداره‌های کشور به همین منوال به امور کاری خود برسند، بدون تردید ظریف چندماه آینده افغانستان به بحران در وزارتخانه‌های خود دچار خواهد شد!

با این‌همه آقای رییس‌جمهور به جای این‌که به رفع چنین معضل کلانی بیندیشد، در پی آن

است که تورم تشکیلاتی در کشور را چه‌گونه افزایش دهد و همچنان اداره‌های تازه‌یی ایجاد کند.

به دنبال ایجاد پست نماینده فوق‌العاده رییس‌جمهوری در امور اصلاحات و حکومت‌داری به عنوان یک واحد مستقل و برخوردار از صلاحیت‌های معاونان رییس‌جمهوری، آقای غنی متوجه وضعیت یکی از عمده‌ترین نورچشمی‌های خود شد که با وجود یدک کشیدن عنوان مشاور ارشد اقتصادی، باید در یک موقعیت مناسب دیگر

آقای غنی برای این‌که وضعیت را

دور بزند، به ایجاد اداره‌های جدید

فرمان می‌دهد که به شکلی همه

مسایل را به انحصار خود بکشد.

این وضعیت خلاف آن‌چه که آقای

غنی فکر می‌کند، به بحرانی تازه در

کشور می‌انجامد و باعث فرو ریختن

نظام اداری در کشور می‌شود. آقای

غنی شرکت سهامی‌سازی را به این

دلیل ادامه می‌دهد که نقش قصر

سپیدار را در مناسبات قدرت در

افغانستان کمرنگ سازد و قدرت

خود را گسترش بخشد

قرار گیرد. به همین دلیل، آقای رییس‌جمهور عمر زخیلوال را که به اختلاس و خورد و بردهای کلان اقتصادی متهم است، به عنوان رییس مشاوریت اقتصادی ریاست جمهوری با تشکیلات ویژه برای آن معرفی کرد. این مسأله طی فرمان تقنینی به شورای ملی جهت تأیید فرستاده شده است.

روز شنبه مجلس نمایندگان با اکثریت آرا این فرمان را رد کرد و ایجاد چنین تشکیلاتی را مغایر با قوانین کشور اعلام کرد. به گفته برخی اعضای مجلس، افغانستان در چنان وضعیت

اقتصادی قرار ندارد که هر روز شاهد ایجاد اداره‌های تازه و بدون بازدهی باشد. همین حالا وزارت‌هایی مثل مالیه، اقتصاد، تجارت به شکلی با مسایل اقتصادی رابطه مستقیم دارند و موثرت آن‌ها در بهتر شدن وضعیت اقتصادی مشخص نیست؛ ولی رییس‌جمهوری به فکر ایجاد اداره‌یی تازه است که فقط می‌تواند به عنوان اداره موازی شناخته شود.

ایجاد اداره‌های جدید نه تنها بر تورم اداری در کشور می‌افزاید، که زمینه تصادم و بی‌اعتمادی را نیز در میان اداره‌های کشور گسترش می‌دهد. آقای غنی به هیچ صورت نمی‌تواند تصمیم جدید خود را توجیه قانونی و عقلائی کند، مگر این‌که بخواهد از قانون و عقل تعریف جدید

ارایه دهد. آقای غنی نظام اداری کشور را می‌خواهد چنان متورم سازد که خشت بر روی خشت قرار نگیرد و هیچ اداره‌یی نتواند موثرت خود را در زمینه‌های کاری نشان دهد.

وقتی در کشوری چندین اداره موازی فعالیت داشته باشد، آن وقت هیچ اداره‌یی خود را مسؤل نمی‌داند و به کارشکنی‌ها دامن می‌زند. آقای غنی اگر می‌خواهد خود را از چنگ دو دسته‌گی در ادارات نجات بخشد، باید با همه آن‌ها برخورد واحد و یکسان داشته باشد و دقیقاً با همه آن‌ها آن‌گونه رفتار کند که یک از یک

رییس‌جمهور انتظار برده می‌شود. آقای غنی برای این‌که وضعیت را دور بزند، به ایجاد اداره‌های جدید فرمان می‌دهد که به شکلی همه مسایل را به انحصار خود بکشد. این وضعیت خلاف آن‌چه که آقای غنی فکر می‌کند، به بحرانی تازه در کشور می‌انجامد و باعث فرو ریختن نظام اداری در کشور می‌شود. آقای غنی شرکت سهامی‌سازی را به این دلیل ادامه می‌دهد که نقش قصر سپیدار را در مناسبات قدرت در افغانستان کمرنگ سازد و قدرت خود را گسترش بخشد.

مجلس سنا:

حکومت زمینه برگزاری لویه جرگه را فراهم سازد



این دو انتخابات متهم می کنند. محمدعلم ایزدیار معاون اول مجلس سنا تاکید دارد که تاخیر در برگزاری انتخابات بحران را در کشور بیشتر می سازد.

اما برخی سناتوران می گویند که به جای لویه جرگه قانون اساسی باید لویه جرگه عنعنوی در خصوص بیرون رفت از بحران کنونی برگزار شود. شیرمحمد آخندزاده عضو سنا گفت: « دولت کنونی بی کاره شده و چرا لویه جرگه را نمی خواند، اگر نمی توانیم لویه جرگه قانون اساسی برگزار کنیم پس باید لویه جرگه عنعنوی برگزار شود؛ هرچه دیرتر شود زمان می گذرد و وضعیت بدتر می شود».

گفته می شود، پیش از این شورای رهبران جهادی که به تازه گی تشکیل شده نیز خواستار برگزاری لویه جرگه شده است.

مولوی منصف عضو مجلس سنا گفت: «بحث لویه جرگه که از سوی شورای جهادی مطرح شده در جهت تقویت نظام است؛ اگر لویه جرگه قانون اساسی برگزار شود که نیاز به برگزاری انتخابات دارد؛ ولی حکومت در برگزاری انتخابات تعلل می کند و امیدواریم از این تعلل بگذرد و هرچه زود تر انتخابات برگزار کند».

بر بنیاد تفاهم نامه تشکیل حکومت وحدت ملی تا دو سال پس از تشکیل حکومت باید لویه جرگه برای تعدیل قانون اساسی برگزار شود؛ اما هم اکنون حدود یک سال از تشکیل حکومت می گذرد و بسیاری از توافقات دیگر رهبران حکومت وحدت ملی نیز اجرا نشده است و هیچ برنامه یی برای برگزاری لویه جرگه وجود ندارد.

مجلس سنا با توجه به شرایط پیش آمده در کشور می گوید که حکومت باید هرچه زودتر زمینه تدویر لویه جرگه قانون اساسی را فراهم سازد.

محمدعلم ایزدیار معاون اول مجلس سنا می گوید که حکومت باید زمینه لویه جرگه یی که در قانون اساسی تذکر یافته را مساعد سازد تا در مورد بحران کنونی کشور تصمیم معقول گرفته شود.

آقای ایزدیار افزود: « لویه جرگه که در قانون اساسی تعریف شده باید تدویر شود؛ از دو جهت، هم این که در توافقتنامه سیاسی حکومت وحدت تعدیل در قانون اساسی تذکر یافته و هم اینکه لویه جرگه برای بیرون رفت از شرایط پیش آمده کنونی نیاز است تا لویه جرگه برگزار گردد».

به گفته وی، برای برگزاری لویه جرگه که در قانون اساسی تذکره یافته لازم است تا حکومت ابتدا انتخابات پارلمانی را برگزار کند.

لویه جرگه قانون اساسی در صورتی برگزار می شود که نصاب مجلسین شورای ملی تکمیل باشد؛ اما هم اکنون نسبت عدم برگزاری انتخابات یک ثلث مجلس سنا که از سوی شوراهای ولسوالی انتخاب می شوند ناتکمیل است و پنج سال کاری مجلس نمایندگان نیز به پایان رسیده است.

بنابر این، اعضای مجلس سنا می گویند که برگزاری لویه جرگه قانون اساسی تا زمان برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی امکان پذیر نیست و حکومت را به تعلل در برگزاری

رییس شورای ولایتی پروان:

فعالیت طالبان در دره غوربند افزایش یافته است

رییس شورای ولایتی پروان که به منظور تقدیر و حمایت از نیروهای امنیتی مستقر در دره غوربند به این دره سفر کرده است، با ابراز نگرانی از افزایش فعالیت طالبان در غوربند می گوید که سازمان استخبارات نظامی پاکستان طالبان را در دره غوربند پروان برای نا امن ساختن این ولایت حمایت می کند. غلام بهاءالدین جیلانی رییس شورای ولایتی پروان می گوید که طالبان از چندی به اینسو نشستهایی داشته و تصمیم گرفته اند تا بر ولایت پروان حمله کنند اما نیروهای دولتی به آنان اجازه سر بلند کردن را نداده اند. آقای جیلانی افزود: « فعالیت طالبان متأسفانه پس از سقوط ولایت کندز در غوربند افزایش یافته، اطلاعاتی را که ما داشتیم آنها با حمایت آی اس آی پاکستان نشست هایی را برای طرح حمله بر پروان داشته اند اما نیروهای امنیتی برای آنها اجازه سر بلند کردن را



ندادند».

رییس شورای ولایتی پروان می گوید که در این اواخر فعالیت طالبان در این دره افزایش یافته است و باید طالبان به گونه ی جدی در این دره سرکوب شوند.

در همین حال، مسولان دولتی در ولسوالی سیاه گرد پروان نیز این گفته ها را تایید می کنند و می افزایند که باید هرچه زودتر در برابر طالبان در این دره اقدام شود. محمدسعید صدیقی ولسوال سیاه گرد گفت: « متأسفانه پس از سقوط کندز تحركات شان زیادتیر شده و نیاز به اقدام جدی است تا آنان توان سر بلند کردن را نداشته باشند».

از سویی هم شماری از سربازانی که برای دفاع از وطن و جان مردم در دره غوربند مستقر هستند اطمینان می دهند که مجال سر بلند کردن به گروه های هراس افکن را نخواهند داد.

دره غوربند از مناطق ناامن ولایت پروان است که بیشتر طالبان در این دره در ولسوالی سیاه گرد و شینواری فعالیت دارند و هر ازگاهی با نیروهای امنیتی درگیر می شوند اما به تازه گی و پس از سقوط ولایت کندز فعالیت این گروه به گفته مسولان در این دره افزایش یافته و اگر برای سرکوبی آنان اقدام نشود تحركات آنان بیشتر خواهد شد.

برگزاری اجلاس شورای عالی مجمع مشورتی هرات



دیگر و سؤ تفاهم در مسایل اساسی جامعه به راه حل های عقلانی و متناسب به امکانات و شرایط دست پیدا کنند».

به اندیشگری جوامع را به سوی صلح و فلاح سوق می دهد. این عزیمت گاه نظری می تواند بستر مناسبی را برای تمام احاد جامعه در سراسر افغانستان فراهم کند که بدون داشتن سؤ ظن به یک

در اجلاس شورای عالی مجمع مشورتی هرات از میان ۲۶۶ عضو موجود در اجلاس ۲۱ تن در یک فرایند کاملاً دمکراتیک و متکی با معیارهای قانونمند انتخاباتی به عنوان اعضای رهبری مجمع برگزیده شدند. هیات اجرایی مجمع مشورتی هرات براساس اساسنامه آن در فاصله میان دو اجلاس شورای عالی فعالیت های مجمع مشورتی هرات را رهبری و مدیریت می کند.

مجمع مشورتی هرات هزاران عضو از میان اقشار و نهاد های مختلف جامعه دارد، که داوطلبانه عضویت آن را پذیرفته اند. در اصول ارزشی این مجمع به اصلی ترین هدف های آن اشاره رفته و از جمله این که « باور و اعتقاد راسخ ما بر این است که پرسشگری و در افکندن سوال های کلیدی از اصول ارزشی و بنیادی جوامع مردم سالار و آزاد است. ما فکر می کنیم با پرسشگری مسولانه می توان به هدف های اصلی ملی در سراسر کشور دست پیدا کرد. واداشتن همه به اندیشیدن و دعوت

مجمع مشورتی هرات هفته گذشته در نخستین اجلاس شورای عالی خود هیات اجرایی این شورا را که متشکل از بیست و یک تن می شود، انتخاب کرد. شورای مشورتی هرات که در اوایل سال روان خورشیدی در شهر هرات به فعالیت آغاز کرد، یک نهاد مستقل مدنی است که تلاش می کند در میان اختلافات و سلیقه های مخالف نکته نظرات مشترک و واحد را در مسایل کلان جامعه جست و جو کند. جنرال سید نصیر احمد علوی از اعضای ارشد مجمع مشورتی هرات در اجلاس شورای عالی این نهاد گفت که « ما می خواهیم صدایی باشیم برای رفع تبعیض، تعصب، قشری گری و همه جلوه های ناخوشایند افتراق و انقطاب که مایه نگرانی در کل کشور ما و به خصوص در میان شهروندان عزیز هرات می شود. گام های ما شاید آهسته و با تحمل صورت گیرد ولی استوار و محکم در زمین اعتقادات و ارزش های دینی، ملی و جهانی خواهد بود. ما فکر می کنیم برای یافتن راه حل مشکلات امروز جامعه، به همفکری و هم نظری بدون آن که بخواهیم یک دیگر را نفی و یا اثبات کنیم نیاز داریم.»

بخش نخست

سبک

زنده‌گی پرانتز باز

نویسنده: ابوذر ذاکر

مشهور است هر جا بروید آسمان همین رنگ است. شب که شد آسمان را که نگاه کردم، آسمان جدیدی دیدم. رنگش با آسمان پایتخت خیلی فرق داشت. حتا شکل و نقشش. آسمان این همه ستاره داشته؟ این قدر پُر نور؟ این قدر نزدیک؟ آیا اگر انسان شبی ده دقیقه زیر این آسمان بنشیند، روزش روز دیگری نخواهد بود؟ اگر به آن فکر کند، با آن انس بگیرد، یا حرف بزند و با آن صمیمی باشد چه طور؟ اما چرا ده دقیقه؟ درست است که آن‌ها تلویزیونی ندارند تا موظف باشند اکثر اوقات شب را با آن مشغول باشند، اما چند ساعتی از اول شب نگذشته باید بخوابند، اگر کسی قبل از طلوع فجر برنخیزد، بخشی از زنده‌گی‌اش دچار خلأ میشود. درست مانند کسی که در پایتخت شب‌ها ساعت هشت شب به بعد خواب باشد. با این حال، شب‌ها به قدری فرصت هست که بتوان با آسمان درد دل کرد. نمی‌دانم برای آن‌ها جاذبه آسمان به قدر فیلم‌های سینمایی و سریال‌های ما هست که بتوانند خود را فراموش کنند و در آن غرق شوند یا نه؟ اما عمق و وسعت آسمان‌شان آن قدر هست که اگر کسی در آن غرق شد، تا صبح و حتا در تمام مدت فردا امیدی برای نجاتش نباشد! آن‌جا آسمان به زمین نزدیک است، خیلی نزدیک، آن قدر که اگر شاعری آن‌جا باشد، در شعرش دست دراز می‌کند تا ستاره بچیند. آن‌ها با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار نمی‌شوند، در ساعتی هم که شاید ساعت میانی خواب ما باشد برمی‌خیزند.

اولین موضوعی که پس از برخاستن از خواب به آن فکر می‌کنند را نمی‌دانم. راستی مگر اولین موضوعی که خود پس از برخاستن به آن می‌اندیشم را می‌دانم؟ شب با چه فکری به خواب رفته است؟ و چه خواب‌هایی دیده است؟ شاید جالب باشد خواب‌هایش را با خواب‌های یک «شهروند» پایتخت‌نشین مقایسه کنیم تا ببینیم همنشین با آسمان اثری کرده است یا نه؟ او پس از بیداری با چه موضوعاتی سر و کار دارد؟ به چه چیزهایی فکر می‌کند؟ او که دیرش نشده؛ ترافیک و راه‌بندان هم نیست؛ اصلاً جای دوری لازم نیست برود. اداره هم که نمی‌رود؛ خرید نیز که جز چند ماهی یک بار ندارد؛ صف بانک هم نمی‌ایستد.

شب هم تلویزیون نمی‌بیند، پس به چه مشغول است و به چه می‌اندیشد؟ تا کسی آن‌ها را از نزدیک نبیند و با آن‌ها نباشد، نگاهش به این موارد یک نگاه باستان‌شناسانه است که ضمن محروم دانستن آن‌ها از بسیاری لوازم ضروری حیات امروزی، با نگاهی به اصطلاح هنری و کم‌وبیش روشن فکر زده، زیبایی‌ها و مزایایی نیز برای زنده‌گی آن‌ها در نظر می‌آورد. اما به واقع این لوازم ضروری حیات از کجا ضرورت یافته‌اند؟ تغییر زمانه یعنی تغییر چه چیزی؟ مگر نمونه فوق یک نمونه عینی در همین زمان خودمان نیست؟ مگر در همین زمان عده‌یی پیاده از این ولایت به ولایت دیگر کوچ نمی‌کنند؟ سخن اکنون در نفی زنده‌گی این گونه یا آن گونه نیست. سخن این است که نحوه زنده‌گی کنونی ما تنها صورت ممکن، و نیز موجود نیست. و این گمان که این گونه زنده‌گی کردن ضروری است، محل تأمل است. سوال این است که ما چه چیزهایی را پذیرفته‌ایم که اکنون خود را ناچار به این چنین زیستن می‌دانیم؟

ما در طول شبانه‌روز خواسته یا ناخواسته با یک سری موضوعات مواجه هستیم و به برخی می‌اندیشیم. آیا می‌توان پرسید که چه موضوعاتی باید جزو موضوعات روزانه ما باشد و نیست؟ و مشغولیت به کدام موضوعات نباید باشد؟ اساساً باید و نبایستی این چنین از چه مبنایی اخذ می‌شود؟ اگر بر اساس هدف خلقت زنده‌گی را سامان دهیم، خرید کردن ما چه شکلی به خود خواهد گرفت؟



بخش دوم و پایانی

متصل هستیم. در نتیجه، اکنون حاد نهیلیسم هایدگر، داده‌های بدبینانه نیچه و کاپیتالیسم جاری مارکس تثلیث مقدس تکنولوژی را در این عصر مدرنیسم فرسوده تشکیل می‌دهند. هر آن‌چه که منعکس‌کننده فرهنگ باشد، روی دیگری نیز دارد و سرنوشت افشا کننده تکنولوژی نیز از این امر مستثنا نیست. اگر ما در رابطه میان جسم، فرهنگ و جامعه به لحظه‌یی تاریخی نزدیک می‌شویم که نظام تراژتیک نمایان‌گر آن است، این مقوله هم‌اکنون یک احتمال دو گانه دارد: نظام جدیدی از ارزش‌ها وجود دارد که در حال معکوس شدن است، و این سرنوشت هستی‌شناختی آن است. در نتیجه، اگر ما هم‌اکنون در حال تجربه تمامی علایم یک محرک پایدار به سوی جبرگرایی تراژتیک هستیم، احتمالاً نخستین شاهدان جنبش مخالف آن نیز می‌باشیم: یک طغیان توسط خود نظام تراژتیک.

در این صورت، آیا «مسأله تراژتیک» - اجسام تراژتیک، نژاد تراژتیک، جنس تراژتیک، و هنر تراژتیک - چالشی برای ساختارهای اجتماعی بسته مدرنیسم محسوب نمی‌شود؟ آیا ممکن است که مسأله تراژتیک نظام جدیدی از هویت شناور، اجسام ترکیبی، جنس‌های مذکر و مونث به هم آمیخته، نژاد چندمرحله‌یی ایجاد کند که تقسیمات عصر مدرنیته همواره سعی کرده است آن را از بین ببرد؟ آیا آینده تراژتیک چالشی اساسی بر سر راه ساختار اجتماعی واقعیت - بر سر راه یک سری تقسیمات دوتایی که همواره کوشیده‌اند افراط‌گری عبارت سوم را از میان ببرند - ایجاد نمی‌کند؟ رویاهایی وجود دارند، رویاهای نیچه، ارتوت(۳)، بتی(۴)، ماکس ارنست(۵)، دو کیریکو(۶)، دوشان(۷)، بورو و آکر(۸)، رویاهایی از جنس سوم، جسم سوم، هویت سوم، فرهنگ سوم که تا پیش از ظهور فرهنگ تراژتیک همواره به دورترین حاشیه‌های فرهنگ رانده می‌شدند. این امکان‌پذیری، دلیل آن است که چرا یک تعبیر از ژنتیک ترکیبی - به عنوان پیشروی اراده معطوف به تکنولوژی - واقعیت جبرگرایی تراژتیک را به حد واقعیت هنر تراژتیک نزدیک می‌کند. یک بار دیگر، ما خود را جای هنرمندان و دانشمندان می‌باییم که با اصطلاحات فرهنگی مخالفت می‌کنند که در دنیای غیرقابل فهم آن‌ها، نشان‌گر انحنای فعلی و آتی اراده معطوف به تکنولوژی است. اراده معطوف به تکنولوژی که از اعصاب دیجیتال، بدل به ماتریکس ژنتیکی می‌شود.

پی‌نوشت:

- ۱- علم تراژتیک مربوط به ارگانسمی می‌شود که ژن‌هایش به واسطه انتقال ژن‌های گونه دیگری دگرگون شده است.
- ۲- انسانی که اعمال فیزیولوژیکی خاص آن توسط وسایل الکترونیکی یا مکانیکی کنترل می‌شوند.
- ۳- آنتونین آرتو. ۱۸۹۴-۱۹۴۸. بازیگر، کارگردان و شاعر فرانسوی. تئوری آرتو درباره نمایش - خاصه عقیده‌اش درباره تئاتر بی‌رحمانه - تأثیر زیادی روی تئاتر قرن بیستم گذاشت. وی تئاتر را به طاعون تشبیه می‌کند، چرا که هر دو پوشش زیبای تمدن را نابود کرده، واقعیت‌های زشت آن را آشکار می‌نمایند و بشریت را به وضعیت ابتدایی خود - که فاقد اخلاقیات و منطق است - برمی‌گردانند.
- ۴- جرج بتی. ۱۸۹۷-۱۹۶۲. ادیتور مجله cri-tique بود و به شدت تحت تأثیر نیچه قرار داشت. وی از نهایت آگاهی انسان - خشونت و شهوت‌گرایی - به عنوان نوعی رابط میان فرهنگ و طبیعت یاد می‌کند.
- ۵- ماکس ارنست. نقاش آلمانی تبار و بنیان‌گذار مکتب دادا و سوررئالیسم. وی از طریق آثارش به کاوش در ضمیر ناخودآگاه می‌پردازد.
- ۶- دو کیریکو. نقاش ایتالیایی تبار که کارهایش به‌خاطر سایه‌های عمیق، مناظر عریان و استفاده از عناصر معماری کلاسیک معروف است.
- ۷- مارسل دوشان. ۱۸۸۷-۱۹۶۸. هنرمند مدرنیست فرانسوی و رهبر جنبش دادا در نیویورک. وی نخستین کسی بود که اشیاء عادی را به عنوان هنر به نمایش گذارد.
- ۸- کتی آکر ۱۹۹۷-۱۹۴۸: از او به عنوان یک رمان‌نویس پانک یاد کرده‌اند. وی در آثار خود از سوررئالیسم بهره می‌گیرد.



جبرگرایی تراژتیک

نویسنده: آرتور کروکر

مترجم: کامبیز پارتازیان

طی می‌کنیم، و اراده معطوف به تکنولوژی، خود را تحت لوای پسا - بیولوژی آشکار می‌سازد.

جبرگرایی تراژتیک قوانین آینده قرن بیست‌ویکم را تعیین می‌کند، و هایدگر، نیچه و مارکس هم کاوش‌گران آن هستند و هم پایگاه‌های مقاومت در برابر آن. هایدگر، فیلسوف حاد - نهیلیسم، تکنولوژی را به کمک زبان دوگانه آفرینش و صنعت درک می‌کند. نظریات وی استدلالی تلخ، جامع و غم‌افزا از عصر نهیلیسم کامل به‌دست می‌دهد: خاستگاه‌های آن، گسترش آن و اقدامات ممکن بهبودی. نیچه، فیلسوف داده‌های بدبینانه، به وجه دیگر اراده معطوف به قدرت می‌اندیشد: نه قدرتی در مراحل آغازین آن، بلکه قدرتی که در خطرناک‌ترین مرحله تاریخی خود یعنی اراده معطوف به عدم اراده سیر می‌کند. در فلسفه نیچه، نیروی محرکه پویا به سمت آینده تکنولوژیکی جهانی چیزی است که هانا ارنست به عنوان «فرایند نابودی» همراه استیلا «نیستی» توصیف می‌کند. هایدگر نیچه را نخستین فیلسوف «متافیزیک کامل» می‌داند، چرا که در نظریات نیچه، زبان «برداشت» و تقلیل آدمی به «ذخایر منفعل» در برابر دینام تکنولوژیکی با عباراتی واضح بیان شده است. مارکس، فیلسوف سرمایه‌داری جاری، بی‌صبرانه منتظر است تا با تحقق سرمایه‌داری مجازی، پایه و اساس واقعی نظریاتش آشکار شوند. کاپیتال مارکس بیش از آنکه نظریه‌یی مخصوص مرحله صنعتی سرمایه‌داری باشد، گزارشی زیرکانه از سرمایه‌داری سایبرنتیک است: لحظه‌یی که سرمایه چنان فرایندی از مبادله دیجیتالی نمادین، حاضر به جدا شدن از سیکل چرخش نمی‌شود، و فراتر از مدل‌های منسوخ تولید و مصرف به سمت عصر کالای دیجیتالی می‌رود. از نظر مارکس، سرمایه‌داری جاری یعنی آن‌که کار، دانش، فرهنگ، قدرت و ما، هم‌چون ابعاد متفاوت یک گرایش جهانی به سمت اراده معطوف به تکنولوژی، به همدیگر

با ترکیب کدهای ژنتیکی انسانی، حیوانی و گیاهی نخستین ساکنان فرهنگ پسانسانی ظاهر شدند: انسان‌هایی ترکیبی با چشمان پرنده‌گان مهاجری که می‌توانند قطب‌های مغناطیسی نامرئی را در آسمان تشخیص دهند، اجسامی که به گونه‌یی ضعیف به‌سازی شده، سیستم عصبی برده‌واری دارند، برای کنترل اجتماعی بهتر پردازش شده‌اند و همواره منتظر ارتقا و حفاظت در برابر ویروس هستند؛ روبات‌های حشره‌یی که با ژن‌های جنگ‌جو و غرایز نابودکننده برنامه‌ریزی شده‌اند و هوش‌مندی مخربی دارند. اگر بیولوژی مولکولی می‌تواند با چنان سرعتی خود را با پیش‌آیندهای معرفت‌شناختی نظام تراژتیک وفق دهد، این موضوع به‌خاطر آن است که توهم تراژتیک بیشتر از فرهنگ نشأت می‌گیرد نه از علم. ما مدتی است که در یک فرهنگ عمیقاً تراژتیک زنده‌گی می‌کنیم: در فرهنگی از تصاویر رسانه‌یی پونودی، شیوه‌های بازاریابی جاری، مدهای ترکیبی، جنس‌های مذکر و مونث به هم آمیخته و پوشش فرهنگی جهانی. تصورات تراژتیک تصویب‌های بیولوژیکی ناشی از جلوه‌های ویژه تبلیغات سینمایی و تلویزیونی است که سعی دارد با بازی با مرجع‌های دیجیتالی فضا و سرعت، جهانی بصری متشکل از تصاویر منسبط، پوشش متراکم، آیکون‌های ترکیبی، سایبورگ(۲)های بازیگر خلق کند. سرمایه‌داری تراژتیک آخرین مدل مد GAP و کلوب موناکو (یک سالون مد) است که در آن رنگ متمایز - شاید به واسطه ترس از تفاوت‌های قومی - سفید است که شعار ایدیولوژیکی «سرانجام شهامت آن را داریم که مشابه هم باشیم» آن را همراهی می‌کند. ما، زوار آینده، هم‌اکنون عمیقاً به فرهنگ پسا بیولوژیکی، به زبان فرهنگ پسانسانی عادت کرده‌ایم. اکنون مراحل اولیه نظام تراژتیک را

عجز

در

اندیشه

بیدل

عبدالبشیر فکرت بخشی - استاد دانشگاه

بخش دوم و پایانی

این که فرعون دعوی خدایی سر می دهد نیز ناشی از پندار استغنائی او بوده است. فرعون در تمام عمرش با دردی مواجه نشد و اندوهی بر وی غلبه نکرد؛ چه اگر درد و اندوهی بر او می آمد، خودش را ناتوان و عاجز می یافت و قطعاً به خدا باز می گشت.

داد مر فرعون را صد ملک و مال
تا بگرد او دعوی عز و جلال
در همه عمرش ندید او درد سر
تا نالد سوی حق آن بدگهر
داد او را جمله ملک این جهان
حق ندادش درد و رنج و اندهان
درد آمد بهتر از ملک جهان
تا بخوانی مر خدا را در نهان

مولوی با این بیان، نشان می دهد که چگونه مال و منال به انسان غرور کاذب می بخشد و در او ایده کمال و بی نیازی از خدا را تولید می کند. ندیدن عجز خود عین نقصان است و تا انسان به عجز خویشتن پی نبرد، نمی تواند آینه دار کمال الهی قرار گیرد. این آموزه ابوالمعانی برای انسان امروز بسیار با اهمیت است. انسان امروزی که خودش را در جایگاه خدا و بی نیاز از خدا می بیند، بیش از هر زمان دیگری به عجز و فروتنی نیازمند است.

با وجود ناتوانی سر به گردون سوده ایم
چون مه نو سرخط عجزیم و مغروریم ما

انسان روزگار ما خودش را از دست داده است و چنان با ابزارها و دست ساخته های خودش نرد می بازد که انگار پاره ای از وجود اویند و او همان ابزارهایی است که خودش ساخته است. احساس یگانه گی انسان با ابزارهای دست ساخته خودش، احساس کاذبی است و کذب آن نیز زمانی نمودار خواهد شد که انسان به هیچ ابزار و وسیله بی دسترسی نداشته باشد و خودش را در مواجهه بی بلا واسطه با جهان، تنها و رها شده پیدا کند.

عجز و تعلق آن با معرفت انسان

چنان که گفته آمدیم، انسان موجودی است با لوازم و امکانات محدود بشری؛ نفس بشربودن محدودیت است و انسان دارای محدودیت ها و نارسایی های ذاتی و ماهوی بسیاری است. نه تنها این، بلکه با زندان ها و رهنان بیرونی بی شماری نیز روبه رو است. انسان با جهان امکان تعلق دارد و ممکن بودن او خود عین احتیاج به علت است و احتیاج نیز نوعی عجز و ناتوانی به حساب می آید.

عجز بینش با تعلق های امکان آشناست

اشک ما تا چشم نگشودن به مژگان آشناست

انسان که به لحاظ هستی شناختی تا هنوز نتوانسته است از دایره امکان پا بیرون بنهد و در دایره قواعد حاکم بر جهان امکان، و در تعلق با جهان امکان به سر می برد، نمی تواند از دید و دانش مطلق برخوردار باشد. حدود امکانی و وجودی انسان با عجز بینش و نارسایی های دید او پیوند دارد و انسان محدود به لحاظ وجودی نمی تواند شناختی نامحدود داشته باشد؛ چه ما از دریچه وجودمان به جهان و حقیقت می نگریم و آن ها را در حدود وجودی خویش می فهمیم. بیدل حتا نگاه ما به خدا را نیز متناهی و انسان وار می خواند.

آنکه آنسوی جهاتش خوانی

تا تو محو جهتی محدود است

ابوالمعانی پیوند عجیبی میان وجود و معرفت، یا به تعبیری هستی و شناخت قابل است و دریچه ای از وجود به معرفت می گشاید و محدودیت وجودی را با عجز معرفتی انسان آمیخته بهم می بیند. این نوع رویکرد نهایتاً به محدودیت شناخت با توجه به محدود بودن هستی - که خود استوار بر اعتقاد به مراتب وجود است - می انجامد و راه هستی شناسی به معرفت شناسی منتهی می شود.

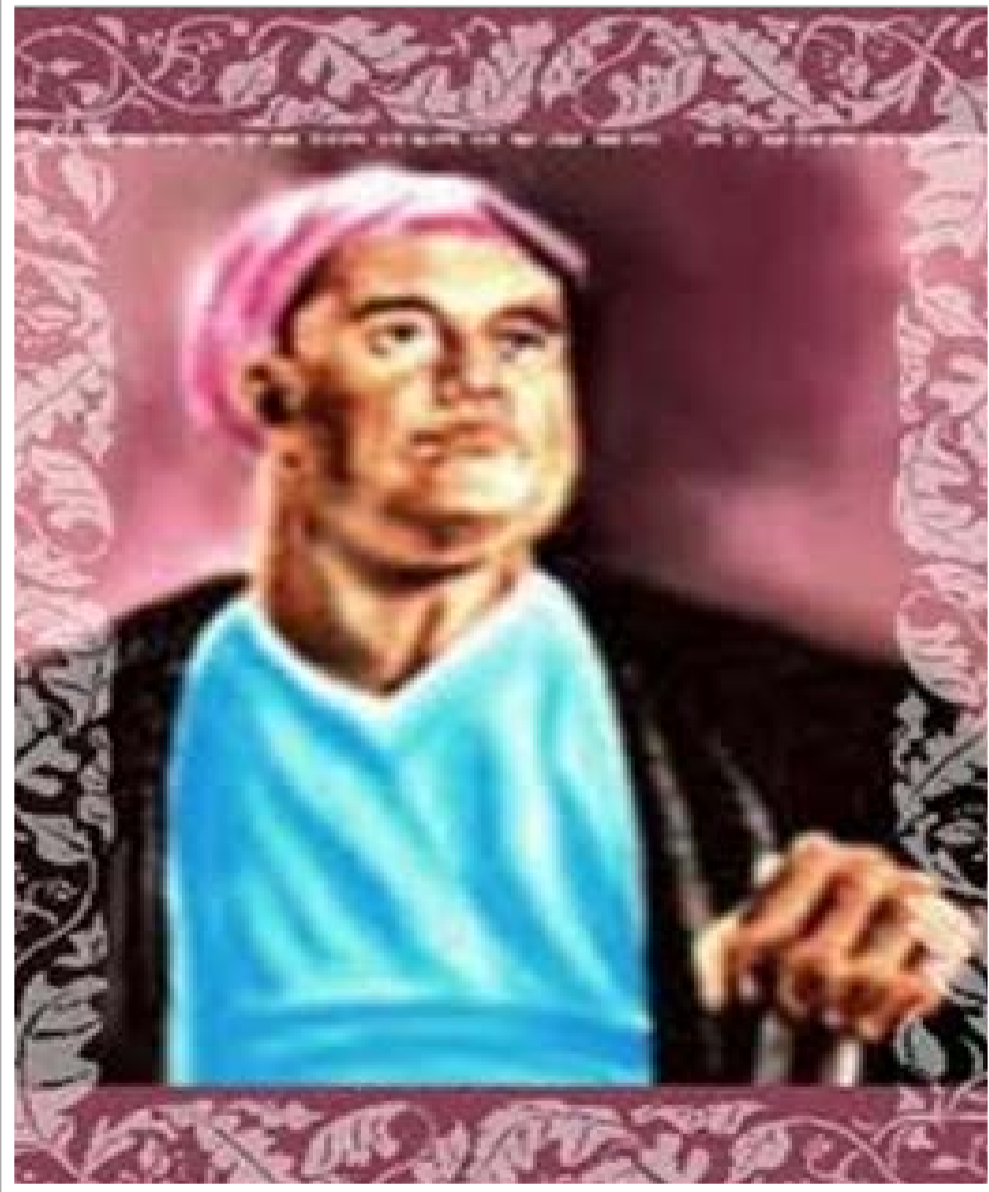
عجز و رسیدن به خدا

وقتی انسان خودش را در حضور خداوند می یابد و عظمت او تعالی را در حدود انسانی خویش درک می کند؛ خم بر قامت فطرت می زند و چاره ای جز کرنش و تعبد نمی بیند.

گرانی کرد بر دوشم غرور ناز یکتایی

خمی بر دوش فطرت بستم و خود را دوتا کردم

غرور ناز یکتایی چنان سنگینی دارد که هیچ دوشی در برابر آن تاب نمی آورد و جز کرنش و دوتا شدن، مجالی برای ایستادن باقی نمی گذارد. بیدل با این بیان، راهی از عجز و انفعال به سوی خداپرستی باز می کند و فطری بودن خداپرستی را نیز با عجز بشری در ارتباط می بیند. اگر عجز را نوعی خلا و تهی شده گی بدانیم، آموزه عجز بیدل با روشنگاه های دیگر قرابت تامی می یابد و ظرفی برای انجذاب نور وجود، یا همان



و عدم احتیاج است که ساحت خدایی را از ساحت انسانی تفکیک می کند. آنچه در درگاه کبریایی نیست، عجز است و آنچه در درگاه الهی از هر چیزی پسندیده تر است، انکسار و فروتنی است. انسان به دلیل انکسار خودش بازگشت کرد و شیطان به سبب استکبار و خودبزرگ بینی رانده شد. عجز و استکبار، و به تبع آن، انسان و شیطان در برابر هم قرار دارند و از همین جاست که «مرحوم است آدم هر قدر شیطان رجیم باشد».

ابوالمعانی در آغازین بیت غزلیاتش بیان می دارد که جز با عجز نمی توان به اوج کبریا پهلوی زد و راه و روزنه ای گشود:

به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا
سر مویی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا
هر فرودی در اینجا فراشدی تا بارگاه کبریایی دارد
و یک سر مو خم شدن و سرگرانی به زمین نهادن،
کلاه شکنستی تا اوج ساحت کبریایی دارد.
به اوج همت افزود پستی های عجز آخر

لمعات انوار الهی قرار می گیرد. ابوالمعانی بیدل عجز بشری را در حضور نور قدرت الهی می بیند، والا انسان توان مندی های بسیاری نسبت به سایر موجودات دارد و عجز در حضور عظمت خداوند به معنای نفی تسخیرگری بشر بر جهان و انسان نیست.

حضور کبریا تا نقش بستم عجز پیش آمد

برون احتیاج آثار استغنا نشد پیدا

عجز در ذات خودش نقص نیست، بلکه تهی شده گی است که می تواند از کمال و حضور کبریایی پر گردد و عجز و استغنا درهم تنیده و جاذب یکدیگرند. ابوالمعانی حد فاصل میان ساحت انسان و خدا را در احتیاج می بیند. انسان در هر صورتی محتاج است و کامل ترین نوع احتیاج او، احتیاج وجودی اوست. انسان نه فقط در وجود، که در استمرار وجود خودش نیز محتاج است. این حالی است که خدا نه در وجود محتاج به غیر است و نه هم در استمرار وجود خودش، او یکتا و بی نیاز است [اخلاص: ۱-۲] و همین احتیاج مندی

که در خورد شکست خود بود معراج دامانها با این وصف، عجز و شکسته گی را باید مایه سربلندی و نردبان عروج آدمی تا کبریائی خداوند دانست. عجز را اگر نقص هم به شمار آوریم، نقصی کمال آور است؛ نقصی که از کمال الهی آینه داری می کند و موجبات کامل شدن آدمی را بیش از پیش فراهم می آورد.

عجز و حیرت

ابوالمعانی میان عجز و حیرت که یکی دیگر از سوژه های محوری اوست، رابطه می بیند و عجز را صحرایی می بیند که متاع ما از قافله آن حیرت است و با این وصف، اگر محمل بر آینه بکشیم نیز تعجبی ندارد.

به دشت عجز تحرمتاع قافله ایم

اگر بر آینه محمل کشیم نیست عجب

ابوالمعانی صداهایی از کاروان عجز می شنود که حیرت را رهنمایی برای گم کرده راهان می خواند و راه گم کرده گان را به راه و روندی هدایت می کند.

صدایی از درای کاروان عجز می آید

که حیرت هم به راهی می برد گم کرده راهان را

حیرت توقف نیست، تنهه گی بی ست که از شدت تبیدن، به سکون رسیده است و جز برای صاحبان حال قابل فهم نخواهد بود. حیرت راه نماینده و هدایت گر است، نه سردرگمی و راه گم کرده گی؛ حیرت راهی برای رهایی از گم شده گی است و صدایی که قافله های گم شده را به سوی و سمتی راه می نماید و فریاد می زند.

حیرت، نتیجه عجز است. وقتی انسانی خودش را در برابر عظمت توصیف ناپذیر خدا و مجهولات بی پایان جهان معذور و ناتوان می بیند و علی رغم اشتیاق مفروطی که به فهمیدن و حقیقت جویی دارد، نمی تواند به کنه و کرانه جهان راه برد، شگفت زده می شود و چاره ای جز این ندارد که ندا بردارد:

مژگان به کارخانه حیرت گشوده ایم

در دست ما کلید در باز داده اند

انسان در یک چنین حالتی بر سر دو راهی عجز و عظمت قرار می گیرد؛ در یکسو ناتوانی و در سوی دیگر بی کرانی جهان. نتیجه مواجهه میان عجز و عظمت، چیزی جز حیرت زده گی نیست. شاید همین مسأله است که قرآن کریم از ناتوانی و عجز دیده گانی سخن می گویند که در پی یافتن درز و شکاف در کاینات ناکام مانده اند [ملک: ۴] و راه به جایی نبرده اند. چکیده

عجز از مفاهیم محوری اندیشه بیدل است و اگر قرار باشد برای اندیشه بیدل محور و مرکزی قابل شوم، قطعاً مفهوم عجز خواهد بود. عجز در نهاد انسان نهاده شده است و انسان به لحاظ وجودی نیز عاجز و محتاج است. عجز در اندیشه بیدل موجب انسان شدن ماست و فروتنی حضرت آدم باعث شد دوباره خوانده شود و با هبوط در زمین، به مقام خلافت خداوند تکیه زند. بیدل با بیان این که انسان موجودی عاجز است، وی را از عجب، استکبار و دعوی خدایی برحذر می دارد و پرواز بنده گی را تا ساحت خدایی محال می بیند.

دلیل این که چرا انسان ناتوانی خودش را از یاد می برد و نعره «أنا ربکم الأعلى» سر می دهد، پندار کمال است و انسانی که خودش را کامل، بی نقص و غنی می بیند، دست به سرکشی می زند و ناتوانی های بشری اش را فراموش می کند. عجز با هستی و در پی آن با شناخت انسان نیز ارتباط می گیرد، کما این که انسان محدود به لحاظ وجودی نمی تواند به وجود مطلق کماهی پی ببرد و حقیقت مطلق را چنان که هست بشناسد. انسان، حقیقت را در حدود وجودی خودش می فهمد و بیدل با این بیان، راهی از وجود به معرفت می گشاید و محدودیت وجودی را با معرفت محدود بشری در پیوند می بیند.

انسان در برابر عظمت خداوندی خم بر دوش فطرت می زند و خودش را دوتا می کند. زیرا هیچ دوشی غرور ناز یکتایی او را تاب نمی آورد و در برابر آن قامت توان قامت افراختن ندارد. عجز اگر از یکسو نقص است، از سوی کمال به حساب می آید. عجز را اگر نقص هم به شمار آوریم، نقصی کمال آور است و کمال الهی نیز جز در آینه عجز بشری نموده نمی شود.

عجز با حیرت نیز پیوند دارد و انسان وقتی در دوراهی عجز و عظمت قرار می گیرد، حیرت چهره می گشاید و او را به جایی و راهی رهنمون می شود. حیرت راه نماینده و هدایت گر است و صدایی که قافله های گم شده را به سوی و سمتی راه می نماید و از راه گم کرده گی نجات می بخشد.

اتهام تجاوز

بر زنان زندانی بررسی می شود



دادستانی کل کشور هیأتی را به منظور بررسی اتهام تجاوز شماری از قاضی‌ها و دادستان‌های حوزه غرب کشور بر زنان زندانی به هرات فرستاده است.

نهاد مدنی - حقوقی عدالت در افغانستان روز یکشنبه هفته پیش با نشر گزارشی گفت که شماری از قاضی‌ها و دادستان‌های حوزه غرب کشور از هر ۱۰ بانویی که در بازداشت بودند، بر سه تن آن‌ها تجاوز جنسی کرده اند. در این گزارش ادعا شده بود که ۹ دادستان و ۶ قاضی در ولایت هرات، ۶ دادستان و ۴ قاضی در بادغیس، ۵ دادستان و ۴ قاضی در غور، ۴ دادستان و ۳ قاضی در فراه و ۳ دادستان و ۲ قاضی در نیمروز بر زنان بازداشت شده تجاوز کرده اند.

محمد آصف فیاض، رییس نشرات دادستانی کل روز یکشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت که این اداره پس از نشر این گزارش هیأتی متشکل از نماینده‌گان دادستانی غیرنظامی، دادستانی نظامی، کمیسیون مستقل حقوق بشر و

وزارت امور زنان را به هرات فرستاده است. آقای فیاض می‌گوید که اگر اتهام‌های وارد شده به این قاضی‌ها و دادستان‌ها واقعیت داشته باشند، اداره دادستانی کل آن را یک «فاجعه» می‌داند و این افراد به شدت مجازات خواهند شد.

یک قطره آب افغانستان...

ضایعات ۴۵ فیصد آب جلوگیری شود و در سال‌های آینده زمین‌های زراعتی زیادی در کشور تحت آبیاری قرار گیرد.

رییس جمهور کشور در زمینه جلوگیری از منازعات آب و غصب زمین به مسوولین وزارت زراعت هدایت داد که مشترکاً با شوراهای انکشافی، این مشکل را بصورت دقیق تشخیص نموده تا به منظور استفاده درست از این منابع اقدامات صورت گیرد.

رییس جمهور غنی در خصوص کمک به آسیب دیدگان زلزله اخیر گفت که حکومت با امکانات دست داشته

در بخش بازسازی زیر بناها، خانه‌های تخریب شده، مساجد و مکاتب کمک خواهد کرد.

رییس جمهور خاطر نشان کرد که خواسته‌های مردم افغانستان مشروع و همه جانبه است اما امکانات ما محدود میباشد، پس باید از امکانات موجود استفاده مؤثر صورت گیرد.

رییس جمهور کشور گفت که قریه، ولسوالی، شهرداری و ولایت بنیادهای ثبات افغانستان میباشند، این پنج ستون باید هماهنگ و همگام شوند. وی افزود که صلح و ثبات نیاز افغانستان است و ثبات افغانستان بدون ثبات قریه‌ها ناممکن است.

رییس جمهور غنی اشتراک گسترده زنان در تمام عرصه‌ها در افغانستان را برای یک آینده روشن مهم دانسته، گفت که آنان مطابق ارزش‌های دینی و ملی در کنار برادران خویش سهم شانرا ادا می‌نمایند.

عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی نیز در این نشست گفت که برنامه توسعه روستاها در افغانستان یکی از موفق‌ترین برنامه‌های اجرا شده در این کشور است.

وی افزود: برنامه توسعه روستاها یکی از برنامه‌هایی است که در آن اتحاد، همبستگی و حضور مردم تحسین برانگیز است.

ما بیکاریم از دولت...

وعده‌های زمان کار و زارهای انتخاباتی‌شان عمل نکنند و زمینه کار را برای شهروندان مساعد نکنند، آنان به اعتراضات شان ادامه خواهند داد.

این معترضان گفتند که بیش از دو ماه می‌شود که اعضای جنبش ضد بیکاری در برابر درب شورای ملی در کابل خیمه تحصن برپا کرده اند، اما تا کنون هیچ نهادی به این خیمه حتما سری نزده و در زمینه تحقق خواسته‌های آنان نکوشیده است.

به‌باور این معترضان، دولت باید از معاشات بلند مقام‌های دولتی بکاهد و پول‌اش را در قسمت ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان هزینه کند.

خواست دیگر معترضان این است که تمام کسانی که به‌سن بازنشستگی رسیده اند؛ بازنشسته شوند و تمام پست‌های خالی در نهادهای دولتی به‌منظور کارایی و جلوگیری از فرار جوانان از افغانستان اعلام و افراد واجد شرایط در آن استخدام شوند.

بیکاران امروز تروریستان فردا از سوی دیگر، شماری از سناتوران در مجلس سنا می‌گویند که عدم توجه دولت در محو بیکاری جوانان سبب شده که جوانان در زون جنوب شرق با طالبان یکجا شده و در برابر دولت سلاح بردارند.

به‌گزارش رسانه‌ها، بازمحمد زرمی با اشاره به تشدید ناآرامی‌ها در ولایت‌های پکتیا و پکتیکا در زون جنوب شرق و عدم اراده دولت در رفع بیکاری، جوانان به صفوف طالبان مسلح پیوسته اند.

آقای زرمی افزود: «جوانان در پکتیا و پکتیکا به‌دلیل بیکاری با طالبان یکجا شده و در برابر دولت اسلحه برداشته اند.» به گفته او، اشرف غنی به وعده‌های که در قسمت کارایی به جوان داده بود عمل نکرد و جوانان یا به‌سوی اروپا رفتند؛ یا به‌صفت طالبان پیوسته اند و یا هم به‌مواد مخدر معتاد شده اند.

سناتوران این دو ولایت هشدار می‌دهند، در صورتی که دولت به تأمین امنیت و رفع بیکاری جوانان توجه نکند، کابل نیز با تهدید جدی روبرو خواهد شد.

آنان تأکید دارند که حکومت پس از ایجاد فاجعه، با هزینه هنگفت برای علاج برمی‌خیزد.

این در حالی است به‌دلیل نبود زمینه‌های کاری، در این اواخر شمار زیادی از جوانان کشور از راه‌های غیر قانونی فرار کرده اند که از آن میان، شماری به‌سر منزل رسیده اند و شماری هم در آب‌ها غرق شده اند.

کمک ۸۵۸ میلیون دالری...

دارایی افغانستان و تیکسیکو نکو، رییس بانک توسعه آسیایی، دو طرف در مورد توسعه زیربناها، اتصال کشورهای منطقه از طریق راه آهن، جاده و انرژی گفت‌وگو کرده‌اند. آقای مستور گفته است که کمک‌های بانک توسعه آسیایی افغانستان سبب تغییر در زندگی مردم افغانستان خواهد شد.

به گفته وزارت دارایی افغانستان بانک توسعه آسیایی از کمک‌کنندگان بزرگ افغانستان است و کمک‌های این بانک برای توسعه انرژی برق، رشد بخش خصوصی و توسعه زیربنا در افغانستان به مصرف می‌رسد.

سال گذشته این بانک اعلام کرد که تا پایان سال ۲۰۱۳ میلادی ۳۸ میلیارد دالر به افغانستان کمک کرده و بر اساس تعهد در کنفرانس توکیو نیز تا آخر ۲۰۱۶ حدود ۱.۲ میلیارد دالر دیگر به افغانستان کمک می‌کند که تاکنون ۵۸۵ میلیون دالر به افغانستان کمک کرده و ۴۰۰ میلیون دیگر نیز سال ۲۰۱۵ به افغانستان خواهد داد.

بر اساس اعلام مقامات این بانک بیشتر کمک‌های بانک آسیایی در بخش زیربناها، حمل‌ونقل و ایجاد خط آهن و جاده‌ها بوده است.

با این فرا فگنی‌ها...

مستقل و سیاست غیر مسولانه تقاضای دوباره برگشت خانواده‌های مجبور، بخشی از این فرا فگنی‌ها می‌باشند تا سرخ از دست برود، عوامل اصلی بحران گم شود و پنهان کاری‌های سیاسی و بازی‌های استخباراتی در امتداد آجنداهای شخصی ادامه یابد.

جان گپ (به قول شهید مسعود) این است که: امور مملکتی قطعاً باید از یک محدوده انگشت شمار ارگ به یک رهبری ملی، پویا و قابل اعتماد ارتقا یابد تا به تغییرات اساسی، ایجاد تعادل در قدرت، بازنگری برنامه‌های ملی، تغییر ساختارهای نظام در مرکز و ولایات پرداخته شود و مردم بازبگر سرنوشت چه خوب و چه بد خود شوند.

مشکلات افغانستان لایه‌های پیچیده‌ی دارد که این فرا فگنی‌ها ادامه قسمت اخیر سناریوی چهارده ساله است، با تفاوت این‌که مجریان و حامیان دیروز و امروز آن اندکی جا بدل کرده اند.

چین ده هزار اپارتمان در کابل می‌سازد



سفر خواهد کرد.

مشاور مطبوعاتی وزارت شهرسازی افغانستان تطبیق این پروژه را گامی بزرگی برای حل مشکل نبود مسکن در افغانستان میدانند و می‌گویند که راه اندازی پروژه‌های رهائشی ارزان قیمت در افغانستان مشکلات بی‌سرنه‌ای رافع میکند.

به گفته آقای ابراهیمی، پس از کمک‌های شوروی سابق در بخش خانه سازی افغانستان، این دومین پروژه بزرگ خانه سازی در افغانستان میباشد که می‌تواند تعدادی زیادی از مستحقین و کارمندان دولت را که بدون سرپناه اند، صاحب خانه دائمی بسازد.

وزارت شهرسازی افغانستان می‌گوید که در یک دهه گذشته بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دالر در عرصه‌های مختلف به مصرف رسیده که تأثیری مستقیمی روی زنده گی قشر غریب و بدون سرپناه نداشته است.

در سالهای اخیر، بیشتر افغانان از قریه‌جات و قصبات اصلی شان به شهرها کوچیده و به دلیل گران بودن قیمت زمین در شهرها برای مدتهای طولانی بدون سرپناه‌های دائمی در مکانهای کرایه زندگی می‌کنند.

قبل از این نیز امارات متحده عربی کار اعمار ۳۳۳۰ باب آپارتمان را در منطقه قصبه شهر کابل آغاز نموده است که تا به حال به بهره برداری سپرده نشده است.

خواهد شد.

آقای ابراهیمی گفت: «دولت جمهوری خلق چین از کمک‌های بلا عوض خود بیش از ۱۰ هزار آپارتمان رهائشی را در مدت سه سال در تمام افغانستان به خصوص در شهر کابل اعمار خواهد کرد و این پاسخگو خواهد بود به بسیاری از افراد و اشخاص که تا اکنون منازل رهائشی ندارند.»

به گفته وی، این آپارتمان‌ها به کارمندان دولتی و افرادی که بیرون از دولت کار می‌کنند، توزیع خواهد شد.

آقای ابراهیمی افزود که وزیر شهرسازی افغانستان برای گفت‌وگو روی آغاز کار این پروژه با مقامات کشور چین در آینده نزدیک به آن کشور

وزارت شهرسازی افغانستان با نشر خبرنامه‌ی گفته است که کشور چین ۱۰ هزار باب آپارتمان رهائشی از کمک‌های اقتصادی بلاعوض در شهر کابل اعمار می‌کند.

در این خبرنامه به نقل از سید سعادت منصور نادری وزیر امور شهرسازی آمده است که این واحدهای رهائشی در مساحت کم، با قیمت ارزان و اقساط دراز مدت به آن عده افراد و اشخاصی که تا اکنون خانه و یا آپارتمان رهائشی دائمی ندارند، توزیع می‌گردد.

عبدالعزیز ابراهیمی مشاور مطبوعاتی وزارت شهرسازی افغانستان گفت که این پروژه با هزینه دو میلیارد ین چینیایی در مدت سه سال تکمیل



یک کرواسیایی سرمربی تیم فوتبال افغانستان شد



فدراسیون فوتبال کشور به تازه‌گی پیتر سرگیت، مربی کرواسیایی را به جای سلاوان اسکلیزیچ به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال کشور انتخاب کرده است. مصطفی میرزاد، مسوول روابط خارجی فدراسیون فوتبال افغانستان می‌گوید که قرارداد سرمربی‌گری آقای سرگیت شب گذشته نهایی شده است. آقای میرزاد می‌گوید که پیتر سرگیت پیش از این به حیث سرمربی تیم‌های جرمنی در لیگ بوندسلیگای آلمان و هم‌چنان تیم ملی فوتبال گرجستان کار کرده است. سرمربی جدید تیم فوتبال افغانستان ۴۹ سال دارد و دارنده مدرک مربی‌گری از اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) می‌باشد. پیتر سرگیت دوران بازیگری خود را در لیگ فوتبال آلمان آغاز و در تیم‌های افوی کالو، پلوشینگین، شووینخایم، آلمرباخ، والدورف و والدوف منهایم بازی کرد. او از ۱۹۹۳ که ۲۷ سال داشت، به دلیل مصدومیت نتوانست به بازی فوتبال ادامه بدهد. آقای سرگیت پس از کناره‌گیری از بازی فوتبال، کارش را به عنوان مربی آغاز کرد. سرگیت تاکنون بازیکنان زیادی را برای تیم‌های ملی کشورهای گوناگون تربیه کرده است. او را به عنوان معمار فوتبال نیز می‌شناسند. آقای سرگیت سومین سرمربی است که در جریان یک سال سکندار تیم ملی فوتبال افغانستان می‌شود. سلاوان اسکلیزیچ، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال افغانستان پس از آن از سوی فدراسیون فوتبال کشور برکنار شد که این تیم در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه شکست‌های متواتری را تجربه کرد. فدراسیون فوتبال کشور در خبرنامه‌ی با تقدیر از کارهای او نوشته است که حضور آقای اسکلیزیچ به عنوان سرمربی تیم

ملی فوتبال، در کوتاه‌مدت به نفع افغانستان نبود. تیم فوتبال افغانستان در دوران سرمربی‌گری آقای اسکلیزیچ، در هشت بازی شرکت کرد که از میان این بازی‌ها، دو پیروزی، یک تساوی و پنج شکست را در کارنامه‌اش دارد. قرار است تیم فوتبال افغانستان در دور برگشت بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، در دوازدهم ماه نوامبر به مصاف تیم کمبوج در تهران برود.

سخنان عجیب رونالدو در باره مسی:

نمی‌توانم مثل مسی باشم



شاگرد فرگوسن نمی‌تواند متواضع باشد، من تشنه گلزنی هستم. من از این که دشمنانم زیاد شوند لذت می‌برم و هر روز بیشتر مطمئن می‌شوم که راه را درست می‌روم و دلیلی ندارد وقتی کار خوبی انجام می‌دهم چندین عکاس و خبرنگار را با خود همراه کنم. از تبلیغات و برقراری رابطه با خبرنگاران متنفرم اما برای همه احترام قایلیم. کریس درباره مقایسه خود با مسی گفت: از این کار خسته شده‌ام، خیلی مضحک است، بیش از ۵ سال است که شاید هر هفته یک متن درباره مقایسه خود با مسی می‌خوانم و این در حالیست که من حتی اگر بخوام مثل مسی باشم، نخواهم توانست. مسی عاشق مشارکت در تیم است و من از این کار فراری هستم، من تشنه گلزنی هستم و مسی تشنه زیبا بازی کردن، مسی فوق العاده است اما در دنیای خودش و من هم سعی می‌کنم در دنیای خودم بهترین باشم.

ستاره گلزن تیم فوتبال رئال مادرید گفت: بدون تردید من متواضع‌ترین انسان روی زمین نیستم، عاشق این هستم که بدانم بیشترین دشمن را دارم. کریستیانو رونالدو، بازیکن تاثیرگذار تیم فوتبال رئال مادرید اسپانیا پس از درخشش در بازی مقابل لاس پالماس گفت: از این که برای تیم خود گل زده‌ام بسیار خوشحالم، این وظیفه من است و برای همین از رئال مادرید پول گرفته‌ام، برای همین مردم مرا دوست دارند و برای همین زندگی می‌کنم، من مثل خیلی از بازیکنان خوب دنیا که بسیار فروتن و متواضع هستند، اهل کار گروهی نیستم و اگر این یک نقطه ضعف است برایم مهم نیست، من تشنه گلزنی هستم اگر یک درصد احتمال گلزنی برایم باشد هرگز آن فرصت را به بازیکن کناری خود نخواهم داد. رونالدو افزود: در جایی رشد کرده‌ام که گری نویل و اسکولز داشته و زیر نظر مردی به نام فرگوسن با فوتبال آشنا شده‌ام،



اطفال شما به واکسین بسیار ضرورت دارد

واکسین نمودن اطفال مریض، خوابیده و نوزاد هم لازمی است



نوزاد



طفل خوابیده



طفل مریض

- اگر طفل شما در دور کمپاین از واکسین باز ماند، او را به زودترین فرصت به نزدیکترین کلینیک برای واکسین نمودن ببرید
- گرفتن سایر واکسینها که در کلینیک تطبیق می‌گردد نیز به طفل شما لازمی است، زیرا از چندین امراض کشنده جلوگیری مینماید

قطره های واکسین پولیو به هر طفل هر بار الی ۵ سالگی

استقبال از کری در سمرقند



وزرای خارجه کشور های قرغیزستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان، پیش از دیدار از شهر تاریخی سمرقند، باهم گفتگو نموده و مشترکاً غذا صرف کردند.

ایالات متحده امریکا نخستین کشوری بود که جمهوری های آسیای میانه را بعد از استقلال آن ها در بیست و پنج سال، پس از اضمحلال اتحاد شوروی، به رسمیت شناخت. از آن زمان به بعد آسیای میانه تلاش می کند تا موازنه را در روابط با مسکو، شریک قدرتمند اقتصادی چین و ایالات متحده امریکا حفظ کند.

بعد از سقوط رژیم طالبان و ادامه جنگ در کشور همسایه افغانستان، مراکز مهم لوژستیک برای هوایمیای های جنگی ناتو در منطقه ایجاد گردیده بود، که حالا مسدود شده اند. در عوض به تازگی علاقه مندی روسیه و چین برای سرمایه گذاری در عرصه تجارت در این منطقه افزایش یافته است. زیرساخت ها اهمیت دیپلماتیک کسب کرده اند، که ایالات متحده در این ارتباط تا حدی در حاشیه قرار داشته است.

اما ایالات متحده امریکا و آسیای میانه رسماً استدلال می کنند که روابط جمهوری های آسیای میانه با واشنگتن، این امکان را می دهد تا علاقه مندی خاص شان را در برابر همسایه بزرگ شان تثبیت کنند.

جان کری در مسیر نخستین سفرش از پنج کشور آسیای میانه، سرمایه گذاری در بخش آموزشی و همکاری در زمینه تهدید های امنیتی را وعده کرده است.

اسلام کریموف رییس جمهور ازبکستان روز یکشنبه از هیأت دیپلماتیک آسیای میانه جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در ارگ تاریخی «جاده ابریشم» در سمرقند پذیرایی کرد. کری پیش از آن به قرغیزستان سفر کرده بود.

رهبر سیاسی قدرتمند ۷۷ ساله ازبکستان که از بیست و پنج سال به این سو بر ازبکستان حکومت می کند، از جان کری در فرودگاه غبار آلود سمرقند استقبال کرد. سپس هردو رهبر سیاسی در داخل شهر به سوی قصر ریاست جمهوری رفتند تا پشت درهای بسته مذاکره کنند.

بر اساس یک گزارش وزارت خارجه ایالات متحده امریکا برای حقوق بشر در سال ۲۰۱۴، نظام انتخاباتی ازبکستان متقلب بوده و فساد مالی و شکنجه در این کشور رو به افزایش است. به اساس گزارش خبرگزاری فرانس پرس، در یک سند افشا شده از وزرات خارجه امریکا توسط ویکی لیکس در سال ۲۰۱۰، از ابعاد وحشتناک فساد مالی، جنایات سازمان یافته، کار اجباری در مزارع پنبه و شکنجه در ازبکستان سخن رفته است.

جان کری که به روز شنبه یک بحث دشوار در باره حقوق بشر با همتای قرغیزی اش داشت، گفت که او از انتقاد بر میزبانان اش در این سفر باکی ندارد. او همچنان تصریح کرد که واشنگتن آماده است با وجود این نگرانی ها، روابط دیپلماتیک اش را با منطقه حفظ کرده و بهبود بخشد.

سمرقند مرکز کهن فرهنگ و آموزش اسلامی، محل نخستین دیدار میان نمایندگان ایالات متحده امریکا و همه پنج قدرت آسیای میانه است. جان کری

سازمان ملل: کاتالونیا نمی‌تواند به دنبال

استقلال باشد

دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه ای اعلام کرد، از نظر سازمان ملل منطقه خودمختار کاتالونیا اسپانیا حق تعیین سرنوشت خود را ندارد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل در مصاحبه با چهار روزنامه اسپانیایی گفت: اسپانیا یک کشور مستقل و خودمختار است که منطقه کاتالونیا را نیز شامل می‌شود. سازمان ملل اینگونه اسپانیا و منطقه کاتالونیا را پذیرفته است. وی افزود: سازمان ملل، کاتالونیا را به عنوان یک قلمروی غیرمستقل که قادر است ادعای حق تعیین سرنوشت کند، به رسمیت نمی‌شناسد. هنگامی که حرف از خودمختاری و حق تعیین سرنوشت می‌شود، مناطق اصلی باید از سوی سازمان ملل به عنوان قلمروهای غیرمستقل به رسمیت شناخته شوند. اما کاتالونیا شامل این دسته بندی نمی‌شود.

بان کی مون ادامه داد: یکی از جنبه های مثبت اسپانیا این است که برای گونه های مختلف فرهنگی، زبانی و سن احترام قائل است. دبیرکل سازمان ملل برای دستیابی به یک راه حل توافقی در خصوص کاتالونیا بر اساس مذاکره و مطابق با سنت دموکراتیک ابراز امیدواری کرد.

وی پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی که قرار است ۲۰ دسامبر سال جاری میلادی در اسپانیا برگزار شود، گفت: من از رهبران و مردم کاتالونیا می‌خواهم تا در مذاکرات شرکت کنند. احزاب های استقلال در منطقه کاتالونیا به دنبال تصویب قطعنامه ای در پارلمان کاتالونیا هستند تا آغاز رسمی جدایی از اسپانیا و شکل گیری یک جمهوری جدید ظرف ۱۸ ماه را اعلام کنند.

این جدایی طلبان در انتخابات ماه گذشته میلادی برای نخستین بار اکثر کرسی های پارلمان کاتالونیا در بارسلونا را به دست آوردند. اما ماریانو راخوی، نخست وزیر اسپانیا روز جمعه گفت، احزاب اصلی اسپانیا دست به دست یکدیگر خواهند داد تا از اتحاد ملی اسپانیا در برابر تلاش های جدایی طلبانه دفاع کنند. خواسته های طولانی مدت مردم کاتالونیا برای خودمختاری و استقلال در سال های اخیر پررنگ تر شده است.

۵ سناریو برای مرحله پس از انتخابات ترکیه

«کمال قلیچ دار اوغلو» رهبر این حزب معتقد است که معیار موفقیت برای او دیگر بالارفتن میزان آرای حزب نیست بلکه رسیدن به دولت است که این امر مجال وسیعتری برای گفتگو بین دو حزب را باز می کند. بویژه اینکه این دو حزب در خلال دوره گفتگو بر سر تشکیل دولت ائتلافی بعد از انتخابات سابق به هم نزدیک شده اند و خلق جمهوری خواه در خلال این مذاکرات، از مواضع خود درباره اختیارات رئیس جمهور عقب نشینی های مهمی کرده است، اما مسئله سیاست خارجی مشکلی است که می تواند این سناریو را نقش بر آب کند.

سناریوی چهارم که کمتر احتمال تحقق آن وجود دارد تکیه بر تجربه انتخابات گذشته یعنی تشکیل دولت اقلیت توسط خلق جمهوری خوا و جنبش ملی گرا که از حمایت حزب دموکراتیک خلقها حمایت می شود است. گرچه حزب خلق جمهوری خواه در گذشته برای چنین سناریویی اعلام آمادگی کرده اما حزب جنبش ملی گرای ترکیه با توجه به حمایت مستقی و غیر مستقیم حزب دموکراتیک خلقها برخوردار است، چنین چیزی را قبول نمی کند، زیرا در این صورت آرای زیادی را در انتخابات آینده از دست می دهد بویژه اینکه عمر چنین دولتی بسیار کوتاه خواهد بود.

یک سناریوی دیگر وجود دارد که در صورت شکست سناریوهای قبلی میتواند محقق شود. در این هنگام احزاب سیاسی راهی جز رفتن به برگزاری انتخابات جدید که غالباً در آوریل سال ۲۰۱۶ برگزار می شود ندارند.

رای گیری در بیست و ششمین انتخابات عمومی ترکیه دیروز (یکشنبه) از ساعت ۸ صبح به وقت محلی آغاز شد و تا ناهق روز ادامه داشت.

بیش از ۵۴ میلیون شهروند ترکیه واجد شرایط شرکت در انتخاب ۵۵۰ نماینده «مجلس بزرگ ملی» ترکیه هستند.

روند صلح با حزب کارگران کردستان، پرونده های فساد که گریبانگیر ۴ وزیر عدالت و توسعه و نزدیکان رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه شده است و باقی ماندن رئیس جمهور ترکیه با اختیارات قانون اساسی و عدم دخالت در امور دولت باقی می ماند. اما همه این مشکلات حتی روند صلح قابل گفتگو است به شرطی که حزب عدالت و توسعه به آن پایبند باشد. عدالت و توسعه بارها تاکید کرده است که همه چیز از استراتژی گرفته تا روند صلح تغییر خواهد کرد، این امر زمینه را برای توافق عدالت و توسعه بر سر برخی مسائل با جنبش ملی گرا از جمله تشکیل دولت ائتلافی با عمر کوتاه و ادامه درگیریها بین نیروهای امنیتی ترکیه و حزب کارگران کردستان فراهم میکند. باغچلی بدلیل خروج حزب متبوعش از دولت و پارلمان بعد از انتخابات ۲۰۰۲ میلادی با فشارهای زیادی از سوی پایگاه مردمی این حزب روبرو است. با همه این وجود، باغچلی تسلیم همه این فشارها نمی شود و باقی ماندن در صف معارضان را ترجیح می دهد بویژه اینکه عمر احتمالی بیشتر دولتهای ائتلافی ترکیه از یکسال و نیم تجاوز نمی کند.

سناریوی سوم ائتلاف بزرگ بین عدالت و توسعه و حزب خلق جمهوری خواه است. با وجود اینکه این سناریو بهترین گزینه برای پایین کشیدن فتنه قطب بندی بزرگ در ترکیه به شمار می رود اما برای حزب عدالت و توسعه و تا حد بیشتری برای اردوغان خطرناک خواهد بود، زیرا خلق جمهوری خواه قانع شده است که نمی تواند آرای خود را از میزان فعلی بالاتر ببرد مگر از طریق بازگشت به دولت که از سال ۲۰۰۲ میلادی در آن شرکت نکرده است.



مردمی بنا به دلایل زیادی از جمله وابستگی طرفین به جریان اسلام ترکیه که نزدیکی بین دو حزب را آسانتر می کند، با یکدیگر ائتلاف میکنند. همچنین ائتلاف با یک حزب کوچک امکان مانور بیشتری به عدالت و توسعه در دولت یا در انتخابات آینده می دهد. در این صورت مشکلاتی همچون

همزمان با برگزاری بیست و ششمین انتخابات عمومی ترکیه، یک پایگاه خبری و تحلیلی به بررسی پنج سناریو برای مرحله بعد از این انتخابات پرداخت.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی العربی الجدید، پنج سناریو را میتوان برای مرحله بعد انتخابات در نظر گرفت.

سناریوی اول این است که حزب عدالت و توسعه اکثریت لازم برای تشکیل دولت به تنهایی را به دست آورد. در صورت تحقق این سناریو، اکثریت پارلمان بر اساس بیشتر نظرسنجی ها مانند نتایج سال ۲۰۱۱ میلادی نخواهد بود و در نتیجه دولت عدالت و توسعه از لحاظ سیاسی ضعیف تر از گذشته خواهد بود. همچنین انتظار نمی رود که تغییراتی در سطوح سیاست داخلی و یا خارجی رخ دهد و طرح اصلاح قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور از بین می رود. در صورت شکست عدالت و توسعه در به دست آوردن اکثریت بالای پارلمان که به آن اجازه دهد دولت را به تنهایی تشکیل شود، این حزب صاحب بزرگترین فراکسیون پارلمانی باقی می ماند و در نتیجه احمد داود اوغلو دولت ائتلافی جدید را تشکیل خواهد داد.

سناریوی دوم درباره جنبش ملی گرای ترکیه است. با وجود اینکه «دولت باغچلی» رهبر جنبش ملی گرای ترکیه همه پیشنهادها برای ائتلاف با عدالت و توسعه را بعد از انتخابات اخیر رد کرده است، انتظار می رود که وی بعد از انتخابات جاری بویژه بعد از فشارهای زیادی به دلیل همین مخالفت با آن روبرو است، بر مواضع قبلی خود اصرار نوزد. بنابراین وی با حزبش که از سوی عدالت و توسعه ترجیح داده شده است، چه در سطح رهبران حزب و چه در سطح پایگاه